

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

سازمان انقلابی افغانستان

۰۶ اکتوبر ۲۰۱۶

تاریخ، نبرد طبقاتی

بخش آخری

اما زمینداران (مالکان، اربابان، خانان) کسانی اند که هم زمین و هم بخشی از ابزار زراعی را در اختیار دارند و با بهره مالکانه دهقانان را استثمار می کنند. زمینداران بزرگ از ۱۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ جریب زمین را در اختیار دارند، در حالی که زمینداران میانه از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ جریب و زمینداران کوچک از ۱۰۰ تا ۵۰۰ جریب زمین دارند. اینان در مناطق مختلف کشور نسبت به مساحت زمین تعداد معینی دهقان را استثمار می کنند. پایگاه اصلی فئودالیزم دهات است و نمایندگان روشنفکر آنان در سطوح مختلف قدرت، در مرکز قرار دارند و در برابر انقلاب می ایستند. آنان طرفدار اشغالگران اند و همیشه دعای سر آنان را می کنند که آرامش می آورند!! ملاکان با این که ۵۰ درصد زمین ها را در اختیار دارند، دو درصد باشندگان ده را می سازند که تعداد شان به ۷۵۰۰۰ نفر می رسد. با این که اشغالگران و دلالان داخلی شان در این چند سال تلاش کرده اند تا اقتصاد بازار را از طریق تولید، تجارت و خدمات با سرمایه گذاری های خارجی و داخلی به بخش مهم اقتصاد کشور تبدیل کنند، اما مشکلات مهمی که سد راه این بخش اقتصاد قرار دارد (فساد اداری، تسلط مافیاهای مختلف، ناامنی، عدم تمایل کمپنی های غربی به سرمایه گذاری و...) تا حال قادر به تسلط نسبی بر اقتصاد کشور نشده و تا هنوز تولید زراعی اقتصاد مسلط کشور ما را می سازد.

اقتصاد بازار که راه سرمایه گذاری و صدور سرمایه کمپنی های امپریالیستی را به افغانستان هموار می کرد از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ ظاهراً در تمام بخش ها ۹ میلیارد دالر سرمایه گذاری شد و چون تنها در بخش ساختمانی ۴.۵ میلیارد دالر سرمایه گذاری شد، لذا این رقم کمتر از اصل سرمایه گذاری در این مدت می باشد. سرمایه گذاران خارجی درین دوره برای فرار از پرداخت مالیات، اصل پول خود را نشان نداده و دولت پوشالی هم توان چنین حساب و کتابی را از آنان ندارد. استثمارگران خارجی تنها در بخش تجارت، ۲۰۱ شرکت رسمی ایجاد کرده و حجم تجارت آنان چند برابر شرکت های افغانی و مختلط می باشد. صادرات تریاک مهمترین بخش صادرات افغانستان را می سازد (سالانه ۴۰۰ میلیارد دالر) که به تنهایی درآمد آن چند برابر درآمد تمام صادرات افغانستان می شود. آثار باستانی، برخی از سنگهای قیمتی و چوب چهارتراش که مانند تریاک، قاچاق می شود و خارج از کنترل دولت قرار دارد، پول بسیاری به حساب کمپنی های سرمایه داری خارجی و داخلی می ریزد و نشان می دهد که مقدار سرمایه گذاری در بخشهای مختلف تولید و تجارت (قانونی و غیرقانونی) در افغانستان سر به صدها میلیارد دالر می زند. از این طریق پول های زیادی خارج از کنترل دولت در داد و ستد شامل شده، سودهای کلانی به دامن خارجی ها می ریزد. آمار رسمی دولت پوشالی (که نمی توان به آن اعتماد کرد) نشان می دهد که از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، ۶۶ درصد سرمایه گذاری داخلی (کمپرادوری و ملی) و ۳۱ درصد سرمایه گذاری های مستقیم کمپنیهای خارجی را در بر گرفته است.

بانک جهانی و بانک انکشاف آسیائی برای استقرار چنین اقتصادی در جهت تقویت بورژوازی کمپرادور، تلاش های بسیاری به خرج داده اند. بانک جهانی تا جنوری ۲۰۰۹ حدود ۱۸۹۰ میلیون دالر که ۱۴۵۰ میلیون آن «بلا عوض» و ۴۴۰ میلیون آن قرضه می باشد، به افغانستان «کمک» کرده است. کمپنی هائی که برای اهداف شوم استثماری به افغانستان آمده اند، زیر نام مؤسسات کمک کننده کار می کنند و برای این که اهداف اساسی شان را پنهان کنند، گاه به کارهائی زیر نام بازسازی نیز دست می زنند. علاوه بر این مؤسسات و کمپنی ها، اکنون ۲۰۰۰ قراردادی خارجی و داخلی در افغانستان کار می کنند (سنای امریکا با تحقیق محرمانه متوجه شد که وزارت دفاع امریکا طی سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ با ۲۶ هزار قراردادی امنیتی خصوصی در افغانستان کار کرده است) که در بخش داخلی خانواده های کرزی، فهیم، خلیلی، رحیم وردک و... از فاسدترین آنها بوده و با خدعه، زور و نیرنگ (خصوصیات اصلی نظام های رو به سرمایه داری) پول های کلانی را به جیب زده اند. حامد پسر رحیم وردک از درک دیوارها و چک های سمنتی که به کمک پدرش قرارداد می شود به سرمایه های افسانه ئی دست یافته، و تمیم پسر جنرال بابیه جان از قراردادهای میدان بگرام میلیون ها دالر عاید داشته است.

از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ حدود ۱۶۰۵۶ شرکت در دفتر آيسا راجستر شده که ۷۸ درصد آن داخلی و ۲۲ درصد آن خارجی می باشند. ازین میان ۵۵ درصد در سکتور ساختمانی، ۲۵ درصد در سکتور خدمات، ۱۶ درصد در سکتور صنعت و ۴ درصد در سکتور زراعت سرمایه گذاری شده است. این شرکتها درین مدت بیش از ۶۵۴۴۷۵ شغل جدید ایجاد کرده که ۵۵ درصد آن به وسیله شرکت های داخلی و ۴۵ درصد دیگر به وسیله شرکت های خارجی خلق شده اند. ازین شغل ها ۵۳ درصد در سکتور ساختمانی، ۲۸ درصد در خدمات، ۱۴ درصد در صنعت و ۵ درصد در زراعت می باشد که زمینه را برای استثمار و انباشت سرمایه نزد کمپنی های خارجی و دلالت داخلی مساعد ساخته اند. اما از جائی که اشغالگران با تمام قواء می کوشند که از یک سو جامعه افغانستان را به جامعه مصرفی مبدل سازند و بُنجل های کمپنی های جهانی و منطقه را در بازارهای افغانستان آب کنند تا دست گدائی مردم افغانستان برای مدت طولانی دراز باشد و از سوی دیگر بیکاری، فرار و آوارگی تار و پود جامعه افغانستان را احتواء نماید و به قیمت ارزان برای پولیس، اردو، «امنیت ملی»، اربکی و کمپنی های امنیتی نفر استخدام نمایند (بی جهت نیست که سخنگوی آيساف در اپریل ۲۰۱۱ اعلان کرد که ماهانه شش هزار نفر را تنها به صفوف اردو جذب می کنند)، فرار نیروی جوان افغانستان که بلندترین رقم فرار جهان را می سازد، اشغالگران را از مخالفت بخش مهمی از نیروی جوان راحت می سازد. در ده سال گذشته این سرمایه گذاری ها در بخش خصوصی ترانسپورت هوائی و زمینی، ساختمانی، بانک ها، شهرک های صنعتی (کابل، هرات، قندهار، ننگرهار، مزار و کندز)، صنایع دیگر (تولید دیگ بخار، دوا، چاپ و همچنین پرورش مرغ و ایجاد مرغداری ها)، مکاتب و تحصیلات عالی، کلینک های خصوصی، برق، مین پاکی، مخابرات، معادن، کمپنی های امنیتی، انجوها صورت گرفته که در این بخش ها کارگران فنی، کارگران ساده، کارگران یخن سفید، خدمه (گارد، موتروان، آشپز، ملازم) و مأموران پائین رتبه مصروف کار اند.

ترانسپورت هوائی که با چهار خط هوائی داخلی (آریانا، کام ایر، صافی و پامیر که اخیراً پروازهای آن به علت فساد کابل بانک و جعلی بودن اسناد بعضی از طیاره های آن متوقف گردید) و چند خط هوائی خارجی (فلای دبی، ایر اندیا، هواپیمائی آسمان و...) کار می کند، روزانه از ۳۰۰ تا ۳۵۰ پرواز در میدان هوائی کابل انجام می دهند. این خطوط هوائی علاوه بر انتقال مسافر به انتقال مال التجاره نیز می پردازند. در بخش ترانسپورت زمینی که علاوه بر مسافركشی، انتقال اموال تجارتي (واردات و صادرات) صورت می گیرد؛ ۳۰ درصد از طریق ایران، ۶۰ درصد از طریق پاکستان و ۱۰ درصد از طریق شمال صورت می گیرد. واردات افغانستان شامل ماشین آلات، وسایل

ترانسپورتی و پرزه جات، مواد نفتی و روغنیا، فلزات و محصولات فلزی، روغن نباتی، گندم و آرد گندم، تابر و تیوب، منسوجات، چای و سگرت، البسه، شکر، صابون و... می باشد که در ۲۰۱۱ به پنج میلیارد دالر رسید. اما صادرات افغانستان که شامل میوه خشک، قالین، میوه تازه، نباتات گیاهی، پوست، پوست قره قل، پشم و موی حیوانی، نباتات تیلی، شیرین بویه، هنگ سفید، هنگ سرخ، کاغذ باطله، زیره سیاه و سفید، زیتون، بُربو، پلاستیک باطله، روده و شکمبه، حبوبات، سرش کاهی، سمارق و برنج سفید می شود، در ۲۰۱۱ به چیزی حدود یک میلیارد دالر رسید. ۹۵ درصد واردات و صادرات افغانستان به وسیله لاری صورت می گیرد که شامل ۲۱۰ شرکت ترانزیتی می باشد. لاری های افغانی این شرکت ها به بیش از ۴۵۰۰ عراده می رسند و به همین مقدار هم افراد و کمپنی های انفرادی موتر و تانکر دارند. همچنان ترک های پاکستانی و ایرانی نیز در انتقال مال التجاره افغانستان سهیم اند. کارگران این بخش شامل دریوران موترهای لاری، باراندازان، محافظان گدام ها، رانندگان کرن ها و غیره می باشند. بر بخش ساختمانی تا ۲۰۰۹ بیش از ۴.۵ میلیارد دالر سرمایه گذاری شده بود که ۳۱ درصد مجموعه سرمایه گذاری (۸۰ درصد این سرمایه گذاری در انحصار کمپنی های خارجی است) را تشکیل می داد و بیشتر در کابل متمرکز بود. تنها در شهر کابل شهرک های سلیم کاروان (قلعه فتح الله و احمدشاه مینه)، آریا، امید سبز، گلخانه، استقلال، طلانی، شیرپور، کوله پشته، خراسان، نوروز آباد، سمتخانه، شاداب ظفر، گلستان، قصر عزیزی، عزیزی پلازا، ستانکزی مینه، مساجد بزرگی چون خاتم النبیین و حاجی عبدالرحمن، سنترها و مراکز فروش بزرگی چون کابل سیتی سنتر، گلپهار سنتر، مریم شاپینگ سنتر، اباسین خُدران سنتر، فیصل شاپینگ سنتر، فاریاب سنتر، روشن پلازا، تعمیر عزیزی بانک، عزیزی سنتر، ساختمان اتصالات، تعمیر کابل بانک، برج کابل، برج نور، تعمیر ام تی ان، تعمیر هتل اشرف رمضان و کفایت مارکیت در مزار، ساختمان هتل پنج ستاره، دو قلوهای هفده طبقه ای صافی، هتل بین المللی تجارت هرات، هتل نظری، هتل پنج ستاره و ملی سنتر در هرات با دهها هتل (۶۰۰ هتل در کابل) و بلند منزهائی که میلیون ها دالر خرج اعمار آن ها شده به وسیله این شرکت ها که با انواع ابزار ساختمانی مجهز اند و هر یک بیش از دو صد انجنیر، کارگر ماهر و ساده و معمار در اختیار دارند، به این کار مصروف می باشند.

یکی از شاخصه های اصلی رشد و عدم رشد مناسبات سرمایه داری در یک کشور به رشد و یا عدم رشد بانک ها مربوط می گردد. گرداننده پول، تعیین سود، پشتوانه تمام بخش های صنعتی، تجاری و تولیدی و بالاخره عامل انتقال پول، بانک ها اند که به علاوه سرمایه گذاری کمپنی های سرمایه داری، پول های مردم را به شکل سپرده، جمع آوری کرده، سود ناچیزی به صاحبان آنها می دهند، اما خود، این سپرده ها را در بخش های مختلف تولیدی و با کسب سود بلند سرمایه گذاری کرده و به این صورت چرخ اقتصاد و سرمایه به حرکت در می آید. در حال حاضر ۱۷ بانک در افغانستان کار می کنند که از جمله ۱۰ بانک خصوصی، ۲ بانک دولتی و ۵ شاخه نمایندگی بانک های خارجی اند. کابل بانک (ورشکست گردید که ۸۲۵ میلیون دالر آن از سوی سهامداران اصلی دزدی شد. بعد از آن که وزارت مالیه مسؤولیت آن را بر عهده گرفت، نام آن را به «نوی کابل بانک» تغییر داد)، عزیزی بانک، پشتنی بانک، بانک بین المللی افغانستان، بانک ملی افغان، ستندرد چارترد بانک، فرست مایکرو فایننس بانک، بانک الفلاح، افغان یونایتد بانک، میوند بانک، غضنفر بانک، آربین بانک، باختر بانک، حبیب بانک، نشنل بانک پاکستان، پنجاب نشنل بانک و برک بانک که سرمایه مجموعی آنها در جون ۲۰۰۹ به ۱۲۵ میلیارد افغانی یا ۲.۵ میلیارد دالر می رسید. این بانک ها تا جولای ۲۰۰۹ در بخش تجارت ۴۹ درصد، خانه سازی ۲۰ درصد، اما در بخش تولیدی یک درصد سرمایه گذاری کرده که نشان می دهد افغانستان بعد از اشغال به یک جامعه کاملاً گدا و مصرفی مبدل شده است. این سرمایه گذاری ها، ۸۵ درصد در کابل، ۶.۵ درصد در هرات، ۴ درصد در مزار بوده که معلوم می کند مناسبات بورژوائی چقدر در

پایتخت متمرکز بوده و در ولایات هیچ نفوذی نداشته است. این بانک ها با کمپنی های بزرگ سرمایه داری چون «ویسترن یونین» و «سویفت» جهت انتقال پول کار می کنند. سرمایه های عزیزی بانک و نوی کابل بانک را «کومرس بانک» المان (دومین بانک المان) در سطح جهانی به کار می اندازد و این دو بانک برای این بانک المان نقش کمپرادوری را ایفاء می نمایند.

با این که مردم در سال های اخیر به نقش بانک و شیوه کار آن ها آشنا شده، اما تا هنوز اعتماد لازم بر این بانک ها ندارند. مخصوصاً بعد از اگست ۲۰۱۰ که رسوائی کابل بانک برآمد این بی اعتمادی بیشتر شد. این رسوائی را در بخش قبلی توضیح دادیم که چگونه ده تن از چپاولگران خاندانی آن را به یغما کشیدند.

در این ده سال در کابل، هرات، قندهار، مزار، جلال آباد و کندز، شهرک های صنعتی ساخته شدند، علاوه بر بیرون از این شهرک ها دیگ بخار سازی، سمونت و زغال، مرغداری، صنعت چاپ، سیلوا، دواسازی و... نیز در بخش صنعت تولیدی احیاء گشت. تولیدات صنعتی افغانستان شامل آب معدنی، لوله های پلاستیکی، پاپوش پلاستیکی، خریطه پلاستیکی، دیگ بخار، روغن، جوس، کشمش پاکی، نساجی، بطری، کلچه، انواع نان، قالین، چرم و... می باشد. در کنار خدمات دولتی، خدمات خصوصی نیز وارد بازار آزاد شد که شامل مکاتب خصوصی، مخابرات، تحصیلات ابتدائی، ثانوی و عالی خصوصی، کلینک های خصوصی، رسانه ها، انجوها، کمپنی های امنیتی، مین پاکی و... می گردد. در کل این بخش ها ۳۳۳۰ مالک و کارفرما، ۳۳۴۵۰ کارگر یخن سفید و خدمه و ۳۵۲۰ کارگر فنی و غیر فنی مصروف کار اند.

سرمایه «افغان بیسیم» که اولین شبکه تلفون موبایل در افغانستان است، در آغاز ۶۰ میلیون دالر بود، در حال حاضر به ۵۰۰ میلیون دالر می رسد و وابسته به دیکچینی معاون رئیس جمهور قبلی امریکا است. «روشن» دومین کمپنی مخابراتی است که با سرمایه یک کمپنی انگلیسی در افغانستان کار را شروع کرد و اکنون سرمایه آن به ۶۰۰ میلیون دالر رسیده که در آن به صورت مستقیم ۱۱۱۴ نفر و ۲۵۰۰۰ نفر به صورت غیرمستقیم کار می کنند. این کمپنی شش درصد عواید دولت را از طریق مالیه دهی مرفوع می سازد. علاوه بر کمپنی های «ام تی ان» (کمپنی امریکائی - عربی) و «اتصالات» (کمپنی عربی) نیز در افغانستان کار می کنند. «افغان تیلی کام» که دولتی است تا حال رشد چندانی نکرده است. تمام این کمپنی ها باید ۱۶ درصد عاید شان را به شکل تکس به دولت بپردازند که یکی از مهمترین درآمدهای دولت پوشالی محصول کمپنی های مخابراتی است. در این بخش ۲۰۰۰ سهامدار و کارفرما، ۴۵۰۰ مأمور، ۸۰۰۰ خدمه، ۱۵۰۰ کارگر فنی و ۶۵۰۰۰ کارگر غیر فنی کار می کنند.

کار روی معادن کشور تا هنوز به شکل فنی آغاز نشده است. استخراج گاز کاملاً راکد مانده و کار استخراج معدن مس عینک (۱۳ میلیون تن مس دارد) که به کمپنی چینی (MCC) سپرده شده است. اما کار به صورت فنی در چند معدن زغال آغاز گردیده است؛ گچ و نمک از سال ها استخراج می گردد؛ ۲۶۰۰ گروپ به استخراج سنگ های قیمتی در کنر، نورستان، بدخشان و پنجشیر به شکل غیر فنی کار می کنند؛ ۱۶ درصد استخراج مربوط دولت و بقیه از کارفرمایان می باشد. پنج معدن طلا در ولایات غزنی، هرات، بغلان (قره دغن)، تخار و بدخشان کشف شده که ارزش آن ها به ۲۵ میلیارد دالر می رسد. استخراج معدن طلا در منطقه قره دغن ولایت بغلان با سرمایه گذاری ۵۰ میلیون دالر به شرکت «افغان کرسنال نیچرل ریسورس» سپرده شده است که علاوه بر تکس و مالیه، ۲۰ درصد عاید را نیز به دولت می سپارد و در ۲۰۱۲ بهره برداری از آن آغاز می گردد. به تاریخ ۱۳ جون ۲۰۱۰ روزنامه نیویارک تایمز خبر داد که زمین شناسان پنتاگون در غرب افغانستان معدنی را کشف نموده اند که در آن لیتیوم، آهن، کوبالت، مس و طلا به ارزش یک تریلیون دالر وجود دارد. دیوید پتریوس گفت که این معدن ذخایر زیادی دارد. میزان لیتیوم به حدی

درین معدن بالاست که می تواند افغانستان را مثل عربستان سعودی تبدیل به یک بعد اقتصادی جدید بکند. این نشریه می نویسد که این ثروت نهفته می تواند رقابت میان کشورهای چون هند، چین و روسیه را برای افزایش حضور در افغانستان به منظور استخراج لیتیوم افزایش دهد.

همچنان بر طبق ارزیابی اداره جیولوجی امریکا در ولسوالی خانشین ۱۷ منرال کمیاب وجود دارد که ۱۷۰۰ میلیون تن وزن دارند و ارزش آنها جمعاً به ۹۰ میلیارد دالر می رسد. درین حال معدن آهن حاجی گک که به داوطلبی گذاشته شده، دو میلیارد تن آهن دارد. این معدن که دارای ۴۰ درصد آهن خالص است، یک تریلیون دالر ارزش دارد. قرار است یک مجتمع از شرکت های هندی بر معدن آهن حاجی گک ۸.۷ میلیارد دالر سرمایه گذاری کند. علاوه معدن گاز افغانستان ۸۱ میلیارد متر مکعب گاز دارد که ارزش آن به ۱۰۰ میلیارد دالر می رسد (فروش معادن نفت و گاز افغانستان را نارویژی ها در کنترل دارند و برای این کار دفتری در اسلو گشایش یافته است). ارزیابی که ناسای امریکا در ۲۰۰۹ داشت، ارزش مجموعی ۳۰ درصد ذخایر زیرزمینی افغانستان را ۵۰۰ تریلیون یا ۵۰۰ هزار میلیارد دالر ارزیابی کرد که چند برابر ارزش ذخایر عربستان سعودی می گردد. ذخایر زیر زمینی افغانستان با این ارزش بالا نمی تواند اشتهای کشورهای اشغالگر را برای اشغال درازمدت افغانستان تحریک نکند.

کمپنی های امنیتی یکی از ابزارهای خدماتی استثماریگران به حساب می آید. این کمپنی ها زمانی ایجاد شدند که بعد از جنگ دوم جهانی، قوانینی از سوی سازمان ملل و کنوانسیون های آن جهت جلوگیری از تخلف های «حقوق بشر» در مورد ارتش ها به میان آمد. به این خاطر کشورهای امپریالیستی این کمپنی ها را خارج از صلاحیت این قواعد و کنوانسیون ها ایجاد کردند. این کمپنی ها در حقیقت لشکرها و بازوی مسلح غیر مسؤول سرمایه داران بزرگ و شبکه های استخباراتی کشورهای امپریالیستی اند. در اشغال عراق ده ها هزار تن از افراد کمپنی های خصوصی شرکت داشتند. متجاوزان امریکائی بیشترین جنایات شان را به وسیله آنها انجام می دهند که مشهورترین شان کمپنی «بلک واتر» در حال حاضر زی سرویسز» است. جنایات این کمپنی ها در زندان ابوغریب جهانیان را تکان داد.

مقامات امریکائی در اوایل ۲۰۱۰ اعلان کردند که کمپنی های امنیتی برای انتقال لوجستیک امریکا در افغانستان دو میلیارد دالر پول گرفته و برای این که قیمت انتقال بالا برده شود، این کمپنی ها بخشی از این پول ها را به طالبان داده تا با نیرومندی بیشتر راه ها را تهدید نمایند. طبق فرمان کرزی ۵۷ کمپنی امنیتی در نومبر ۲۰۱۰ منحل گردید که از آنها ۷۰۳۲ میل سلاح به دست آمد. در آن وقت در شاهراه کابل - قندهار ۲۳ کمپنی امنیتی به صورت غیرقانونی فعالیت می کردند.

بیش از ۹۷ کمپنی امنیتی بعد از ۲۰۰۴ در افغانستان وجود داشت که با انحلال برخی از این کمپنی ها تعداد آنها به ۵۲ کمپنی رسمی تقلیل یافت که ۲۶ کمپنی داخلی و ۲۶ کمپنی خارجی را در بر می گیرد. ۸۵ درصد افراد این کمپنی ها افغان، ۱۴ درصد خارجی هائی از کشورهای سریلانکا، نیپال، بنگله دیش، هند و... می باشند و یک درصد امریکائی ها و اروپائی ها (مالکان این کمپنی ها) را در بر می گیرد. تعداد مجموعی افراد مسلح این کمپنی ها به ۵۲ هزار نفر می رسد، اما بعد از فرمان کرزی در ۲۰۱۰ چند کمپنی داخلی دیگر نیز منحل شدند. مگر زور کرزی به انحلال کمپنی های خارجی نرسید و ظاهراً با این بینی خمیری که این کمپنی ها باید شرایط دولت افغانستان را بپذیرند به کار خود ادامه دادند. امریکائی ها هرگز نمی خواهند که کمپنی های خود شان منحل شوند، چون با این کمپنی ها از تلفات نیروهای شان در جریان انتقال لوجستیک جلوگیری به عمل می آید. حال این تلفات را افغان ها و افراد مسلح آسیائی این کمپنی ها متحمل می شوند. کمپنی های داخلی و خارجی که در افغانستان فعالیت می کنند و بعضی از آنها منحل شده، عبارتند از:

تریپل کنوپی انک (افغان)، کابورا سکیوریتی (افغان)، تندرا افغانستان (افغان)، پراید سکیوریتی سروسز (افغان)، برهان سکیوریتی سرویس (افغان)، امنیتی آریا (افغان)، افغانستان نوین (افغان)، آسیا ای اس جی (افغان)، صدیقی سکیوریتی (افغان)، ان ال سی (افغان - مربوط حامد وردک پسر رحیم وردک)، کمپنی شمشاد (افغان - مربوط به رؤف خدران پسر پاچاخان خدران)، گارد فورس انترنشنل (افغان)، کابل - بلخ (افغان)، وطن ریسک منجمنت (افغان - رئیس آن احمدراتب که زیر فرمان احمدولی کرزی بود)، ملت سکیوریتی انترنشنل (افغان)، ال اس جی (افغان - رئیس آن حشمت کرزی پسر کاکای حامد کرزی که زیر فرمان احمد ولی کرزی قرار داشت)، گود نایت سکیوریتی (افغان)، شیلد (افغان)، خراسان سکیوریتی (افغان)، عقاب سفید (افغان)، سالارزی (افغان)، افغان - میوند (افغان)، قندهار سکیوریتی گروپ (افغان - رئیس آن روح الله که زیر فرمان احمد ولی کرزی قرار داشت)، ایلایت سکیوریتی (افغان - رئیس آن صدیق مجددی پسر صبغت الله مجددی)، کمپنی اس اس آی (افغان - حصین فهیم برادر قسیم فهیم) افغان ریسورس سکیوریتی (افغان - امریکائی)، ورلد سکیوریتی انیشیاتیف (افغان - امریکائی)، شیپرو سکیوریتی (افغان - امریکائی)، سپیشل آپریشن (افغان - امریکائی)، ای دی جی سکیوریتی (افغان - انگلیس)، تور افغانستان (افغان - انگلیس)، ای تیم سکیوریتی (افغان - لبنان)، تکفورس (افغان - استرالیا)، گلف - مناس (افغان - سعودی)، ایودت سکیوریتی (امریکا)، ان ال سی (امریکا)، مرکز وینس مجن - ام دی ام (امریکا)، فورس هارسمن انترنشنل (امریکائی)، سروکور (امریکائی)، زی سروسز (امریکائی)، رونکو سکیوریتی (امریکائی - انگلیس)، هکل میدلیست (انگلیس)، ریجیس (انگلیس)، پچ پروتکتو (انگلیس)، اولیف گروپ (انگلیس)، آرمر گروپ (انگلیس)، افغانستان ای آر اس ام (انگلیس)، گاردا ورلدس (انگلیس)، هارت سکیوریتی (انگلیس)، سلا دین سکیوریتی (انگلیس)، ستراتیژیک سلوشن انترنشنل (انگلیس)، گلوبل میدلیست (انگلیس)، انترنشنل سپشلازید سروسز (انگلیس - افریقای جنوبی)، صبری انترنشنل (انگلیس - اردن)، یونیتی او اس سکیوریتی (انگلیس - استرالیا)، یوکس سپیشل سکیوریتی سرویس (ترکیه)، گادت سکیوریتی اند دیمایننگ (ترکیه)، کپس (کانادا)، کامیس سکیوریتی (استرالیا) و ایدانیو کارتید (افریقای جنوبی) می باشند. به این صورت دیده می شود که خاندان کرزی، مجددی و فهیم چگونه در فساد این کمپنی ها دخیل اند.

و در آخر انجوها، کثیف ترین ابزار چپاول در افغانستان اند. امپریالیست ها علاوه بر این که از این طریق به چور می پردازند، بیشترین رقم جاسوس را نیز از این راه پرورش می دهند زیرا «هیچ انجویی نیست که دم آن زیر پای جاسوسان غربی قرار نداشته باشد». در افغانستان حدود ۱۹۵۰ انجوی رسمی وجود دارد که تمام آن ها پر از دزدی و فساد اند. مسؤولان آن ها بلااستثناء در خدمت اشغالگران قرار دارند و از مهمترین نهادهای وطنفروشی به شمار می روند. انجوها خارجی که تعداد آن ها کمتر است، بیشتر پول های غربی را چپاول می کنند. اما در دولت نیز ۸۶۰۰ نفر در رأس امور، ۲۳۵۹۱۴ نفر معلم و مأمور پائین رتبه، ۸۸۱۳۵ نفر پرسونل خدماتی (ملازم، گارد، موتوروان، آشپز) و ۷۲۰۰ نفر کارگر فنی مصروف کار اند.

به این صورت در تمام این بخش ها (دولتی و خصوصی) ۸۳۶۱۶۵ زحمتکش (مأمور، خدمه، کارگر فنی و غیر فنی) و ۳۰۳۰۰ مالک (سرمدار حاکمیت و بورژوا کمپرادور) وجود دارد و در دهات ۱۵۷۸۵۰ مالک (ملاک و کولاک) و ۳۰۵۲۴۲۹ زحمتکش (دهقان، باغبان و چوپان) و در کل کشور ۷۰۰۰۰۰ زحمتکش حرفه ئی (قصاب، نجار، آهنگر، سلمان، موتوروان، مسگر، مستری، برقی، نلدوان و...) مصروف کار اند. علاوه ۴۵۰۰۰۰ زحمتکش دیگر (بیکاران، لومپنان، دوره گردان، آوارگانی که در ایران، پاکستان، تاجیکستان، هند، کشورهای عربی، اروپائی، امریکا، روسیه و استرالیا کار می کنند) در افغانستان مجموع زحمتکشان را نزدیک به ۸ میلیون نفر می رساند. اما این نیروی ۸ میلیونی و خانواده های شان به وسیله ۲۷۵۶۵۰ نفر (ملاک، کولاک، دلالان سرمایه که در داخل و خارج حاکمیت قرار دارند، سرمایه

داران وطنی، قراردادی ها و صاحبان کمپنی های خارجی) بهره کشی می شوند. به این صورت جامعه افغانستان به ۹۵ درصد زحمتکش و پنج درصد بهره کش تقسیم شده است.

۹۵ درصد اعضای جامعه شب و روز کار می کنند و تمام نعمات مادی را تولید می نمایند. با مشکلات تعلیمی و صحتی روبه رو اند، بخش کوچک آنان ناآگاهانه پایه های اشغال را در اردو، پولیس، «امنیت ملی»، کمپنی های امنیتی و اربکی تقویت می کنند. این بخش کوچک در عین حال صفوف نیروهای مزدور طالب را نیز پر می سازند، اما اکثریت این ۸ میلیون با خانواده های شان از وضعیت عمومی ناراضی هستند. چون کشتار ۵۰ نفر در هر روز به اثر بمباران اشغالگران و حملات کور طالبان وحشی؛ مرگ حداقل ۲۰ نفر در روز به اثر هوای آلوده شهر کابل، مرگ ۴۴ مادر به خاطر ولادت در روز، مرگ ۶۰۰ طفل کمتر از پنج سال در روز، خودکشی و خودسوزی حداقل سه زن در روز، تجاوز جنسی بر حداقل دو زن در روز، مرگ ۴۱ نفر به اثر مریضی جگر در روز، مرگ ۲۵ نفر به اثر مریضی توبرکلوز در روز، مرگ پنج نفر به اثر اسهال مین در روز، یک میلیون معتاد به مواد مخدر (از جمله ۱۲۰ هزار زن و ۶۰ هزار طفل)، ۶۰ درصد زیر خط فقر، ۴۰ درصد محروم از دوا و داکتر، هر نفر پرداخت ۱۸۰ دالر رشوه در سال، یک میلیون بیوه بدون سرپرست، ۶۰ هزار کودک بی سرپرست تنها در شهر کابل، دست به گریبان بودن ۷۰ درصد با بحران غذایی، وابستگی غذایی ۲۶ درصد خانواده ها به کار کودکان، محرومیت ۶ میلیون کودک از درس و تعلیم، مصاب بودن ۶۷ درصد زنان به امراض روانی، موجودیت دو میلیون معلول، محروم بودن ۶ میلیون طفل از رفتن به مکتب، دسترسی فقط ۲۶ درصد به برق، عدم دسترسی بیش از ۶۰ درصد به آب صحتی، موجودیت ۳۰ هزار روسپی در پایتخت، موجودیت ۲۰ هزار گدا تنها در شهر کابل، ۶۰ درصد خانه های بی نقشه در پایتخت، پنج میلیون آواره، حداقل یک هزار زن و دختر مورد تجاوز در سال، خودکشی حداقل ۲۳۰۰ زن و دختر در سال، ورشکستگی ۳۰ درصد ده نشینان و فرار به شهرها یا خارج از کشور، کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، کشته شدن بیش از ۲۰۰۰ نفر در اثر اسهال با مین (۱۱۶۶ نفر در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ از اثر اسهال مین به قتل رسیدند) و از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ بیش از ۱۳۸۰۷ نفر شان در بمباران ها، انتحارها و انفجارها به قتل رسیدند (۱۴۳۵ نفر در ۲۰۰۴، ۴۴۸ نفر در ۲۰۰۵، ۸۱۸ نفر در ۲۰۰۶، ۲۲۳۰ نفر در ۲۰۰۷، ۲۱۱۳ نفر در ۲۰۰۸، ۲۳۲۴ نفر در ۲۰۰۹، ۲۷۷۷ نفر در ۲۰۱۰، و ۱۴۶۲ نفر در شش ماه نخست ۲۰۱۱ به قتل رسیدند که نمی توان به درستی این ارقام باور داشت، زیرا برخی از ارزیابی ها این تعداد را چندین برابر بیشتر نشان داده اند اما آخرین آمار در مجموع کشته شده افغان را در این ده سال ۲۲۸ هزار نفر گرفته است). تنها در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ بیش از ۱۶۰۰ معلم و متعلم به قتل رسیدند. چهار تن از سربازان نیروی دریائی امریکا در ماه دسمبر ۲۰۱۱ بر اجساد سه تن از افغان هائی که به قتل رسانیده بودند، ادرار کردند.

افغانستان اولین مولد مواد مخدر، دومین کشور فاسد دنیا، بلندترین سطح مهاجرت در دنیا، بزرگترین رقم امراض روحی در دنیا، بیشترین تلفات روزانه در جهان و... می باشد که تمام این بدبختی ها دامنگیر ۹۵ درصد توده ها است. اما پنج درصد دیگر صاحب قصر، مالک ده ها بلند منزل، مالک آخرین مدل موتر، زندگی در بیرون، مالک ۸۰ درصد سرمایه های ملی و دلالی، مالک قدرت دولتی، تحصیل فرزندان در خارج، تفریح در بهترین تفریح گاه های دنیا، عیاشی، شراب نوشی، زن و دختر بازی؛ صاحب دهها نوکر و چاکر، ده ها گارد و بادبگارد؛ توان هر لحظه آزمایش صحتی در پیشرفته ترین شفاخانه های جهان، مالک بانک ها، هتل ها، رسانه ها، طیاره ها، باغ ها و زمین ها و... بوده، ۹۵ درصد دیگر یا اصلاً شریک نیستند و یا عده قلیلی در این ثروت ها شریک اند.

به این صورت جامعه افغانستان از زمان ایجادش تا حال (که در این تاریخ ارزیابی شده) به دو صف ستمگر و ستمکش تقسیم شده، ستمگران با این همه امکانات قادر به هر نوع ستمگری بوده، این روند تا اکنون ادامه دارد و تا زمانی که ۹۵ درصد

قدرت را به دست نگیرند، این وضعیت ادامه خواهد داشت. نارضایتی عمومی چیزی جز مخالفت ۹۵ درصد ستمکش با پنج درصد ستمگر نیست. پنج درصد با قدرت، حاکمیت، اردو، پولیس، زندان، جاسوس، پول، ثروت، محکمه، قانون و... که در دست دارند، به سرکوب ۹۵ درصد پرداخته، با انواع شگردها (حکومت مردمی، رأی و انتخاب، دین و سنت، ترقی جامعه، آزادی بیان، احزاب رسمی و قانونی، نهادهای جامعه مدنی، شعارهای عدل و برابری، حق تحصیل برای همه، رعایت اخلاق و فرهنگ، ثروت های ملی و...) می کوشند تا این اکثریت نزدیک به مطلق، از زور و توان شان آگاه نشوند، در جهل و تاریکی نگه داشته شوند، با ابزار دین و سنت چنین وضعیتی را جاودانی فکر کنند، مالکیت خصوصی را خدائی بدانند، به زندان و شکنجه سپرده شوند، ترس از نیروهای مسلح در دل همه خانه کند، این نظام را ابدی بدانند و جلو هر طوفانی را با گلوله و آتش بگیرند و از هر طریقی به استثمار بپردازند.

اشغالگران امریکائی، انگلیسی، المانی، فرانسوی و ایتالوی با تمام امکانات نظامی و غیر نظامی از این پنج درصد حمایت می کنند. و این پنج درصد برای حفظ منافع شان با هندوستان پیمان ستراتیژیک می بندند، خواهان امضای پیمان ستراتیژیک با ایالات متحده هستند و سند همکاری های دراز مدت را با فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کشورهای قدرتمند دیگر نیز به امضاء می رسانند (کابینه دولت کرزی به تاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۱۲ به امضای پیمان های ستراتیژیک با فرانسه، انگلیس و ایتالیا رأی داد و متعاقب آن کرزی به کشورهای نامبرده پرواز کرد)؛ اینان با پول هائی که در اختیار دارند، سرمایه های این کشورها و کمپنی های آنان را به کار می اندازند. نیروی اردو، پولیس، امنیت و استخبارات را در اختیار آنان قرار می دهند، و پول آنان را در بانک های خارج نگهداری می نمایند. کشورهای منطقه چون پاکستان، ایران، هند، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، چین و روسیه هر کدام جاسوس های خاص خود را میان این سرمایه داران، ملاکان و حاکمان دارند. پاکستان، امارات، هند و ایران از تجارت افغانستان سود می برند. آب های افغانستان را ایران و پاکستان به نفع خود به کار می گیرند. ایران در کنار نهرهای جریکه، نهرهای حاجی شریف، شاهگل، گلگیر ۱ و گلگیر ۲ ساخته است و علاوه با ۷۳ واتر پمپ از ۲ تا ۱۲ انچ آب افغانستان را می برد و ایران از این بابت سالانه ۳۵ میلیارد دالر آب به دست می آورد. ترک ها به جای کارترین انسانی چون «جنرال» عبدالرشید دوستم پول می دهند، ایران به تمام جنگسالاران شیعه و شورای نظار پول می پردازد، پاکستان بین تمام رهبران جهادی و طالب نفوذ دارد و همه اینان جاسوسان پروپاقرص پاکستان اند و سران طالبان به فرمان این کشور دست به عمل می زنند. به این صورت افغانستان فروخته شده و برباد رفته برای امپریالیست های اشغالگر و کشورهای منطقه هست و بود خود را فروخته و به این خاطر ۹۵ درصد دیگر به فقر و فرار از افغانستان قرار دارند (بر اساس گزارش بخش مبارزه با مواد مخدر و قاچاق سازمان ملل، در سال ۲۰۱۱ در حدود ۳۵۰۰۰ افغان از افغانستان فرار کرده اند). رویارویی میان ستمکشان و ستمگران با اشغالگران جهان و منطقه به صورت نامتشکل و پراکنده وجود دارد و تا زمانی که این وضعیت وجود داشته باشد، این نامتشکلی ها روز تا روز متشکل خواهند شد و در وضعیت تغییر جدی به وجود خواهد آمد.

رویارویی این زحمتکشان و ستمگران تا زمانی که نظام های طبقاتی بر جامعه حاکم است، همچنان وجود دارد. تاریخ جوامع بشری جز رویارویی این دو طیف که هیچ گاه خاموش نمی شود (گاه طوفانی و گاه در آرامش ظاهری) چیز دیگری نیست، و به این خاطر تاریخ جوامع بشری بعد از پیدایش طبقات را نمی توان جز «نبرد طبقاتی» چیز دیگری دانست.

پایان

زمستان ۱۳۹۰